

سیدین بسیار عزیزم

نامه است که با آن نهایت شوق آورده ام در حال بهار نوشه از کفایت داد  
 تقدیرم کرد و به سگ به ارادت و به آینده امیدوارم صفت از تو دوست دیرینم  
 بسیارم که در برابر میل مصائب دریاوند مانند اسباده او در برابر رحمت بهاری  
 نیز خوش نهایت سیدین زدن به لهدرت بود  
 وزنده ماندن و دیدن چه رفتن زینت  
 بر آدمی به اسیر نفس کسوب و روزگار

اسید سلام بر همه زودتر خبر بهیود حالت را بگنم دناز اسید سلام تر ابار دیگر همان طور

سرتار که زعفر و سادر و از نمر در بینم

"دردار شده سید" را مجله "زن ایرانی" چاپ کرد، منی خانم به دست رسیده؟

ملاکت ربه خانم آسار و لعیت رساندم. ما دائم از همه که احوالت را می پرسیم  
 البته بجز تلفن چون هم گرفتاریم. یک هفته اگر که با تو بودیم با آن دیدار آبی نامرانه  
 فرادوس زندگیت

سیدین جانم، مردن و در بلند باین که نتوانم

و کتابت  
 عروانه